

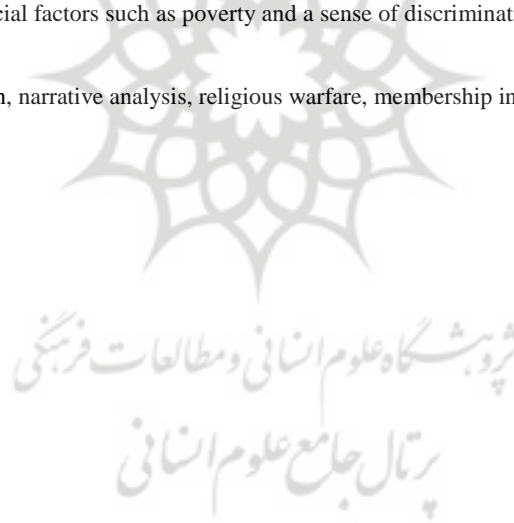
## Narrative Analysis of the Contexts, Process, and Experience of Membership in ISIS

Ahmad Ghasvand<sup>1</sup> | Abdulhamid bayat<sup>2</sup>

### Abstract

The present study aims to investigate the lived experiences of native members of Daesh (ISIS) in Iraq and the process that transformed them from ordinary citizens into members of the extremist group. This issue is examined from the perspective of narratives provided by former Daesh prisoners held in Iraqi government prisons. Participants in this research consist of all Daesh members incarcerated in Iraqi prisons, selected through convenience sampling for interviews. The compilation of these interviews is published in the book "From Frankfurt to Raqqa" and serves as the primary data source for this study. Data analysis employs the narrative analysis method, representing the experiential accounts of Daesh members across four distinct situations: "Life before joining Daesh," "Changing circumstances," "Life under the Daesh banner," and "Captivity." Consequently, while religious factors cannot be entirely disregarded, the primary driver behind Daesh's formation lies in social and non-religious contexts. The resemblance between such extremist organizations and non-religious groups like the Mujahideen-e Khalq (MEK), PJAK, Komala, and others, along with the conspicuous presence of Western figures as commanders and leaders, diminishes the religious dimensions and highlights social factors such as poverty and a sense of discrimination alongside political-security contexts.

**Keywords:** Daesh, narrative analysis, religious warfare, membership in terrorist groups, Iraq.



- 
1. Associate Professor: Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
  2. Corresponding Author: Researcher at Imam Hussein University of Officers and Guards Training, Tehran, Iran. Email: ab.bayat1400@gmail.com

## تحلیل روایت از زمینه‌ها، فرایند و تجربه عضویت در داعش

احمد غیاثوند<sup>۱</sup> | عبدالحمید بیات<sup>۲</sup>

۹

سال پنجم

پاییز و زمستان ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۷/۰۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۹/۱۵

صص: ۴۳-۱۹

شاپا چاپ: ۶۳۲۸-۲۵۳۸

الکترونیکی: ۱۶۵۵-۲۷۱۷



DOR: 20.1001.1.25386328.1402.5.9.2.6

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تجربه زیسته اعضای بومی داعش در عراق و فرایندی که آنان را از یک شهروند عادی به عضوی از داعش تبدیل کرده انجام گرفته است. این مسئله از زاویه روایت اعضای اسیر شده داعش در زندان‌های دولت عراق مورد توجه قرار گرفته است. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش کلیه اعضای داعش در زندان‌های عراق هستند که با نمونه‌گیری برحسب موارد در دسترس، مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند. مجموعه این مصاحبه‌ها در کتاب «از فرانکفورت تا رقه» منتشر شده و به‌عنوان منبع گردآوری داده‌های این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. برای تحلیل داده‌ها از روش «تحلیل روایت» بهره برده شده و روایت تجربیات اعضای اسیر داعش، در قالب چهار موقعیت «زندگی پیش از عضویت در داعش»، «تحول اوضاع»، «زندگی زیر پرچم داعش» و «اسارت» بازنمایی شده است. در نتیجه پژوهش مشخص شده هرچند نمی‌توان زمینه‌های مذهبی را نادید انگاشت؛ اما عامل اصلی شکل‌گیری داعش را باید در زمینه‌های اجتماعی و غیردینی آن جستجو نمود. مشابهت این تشکیلات با تشکیلات غیرمذهبی مانند مجاهدین خلق (منافقین)، پژاک، کومله و دموکرات و امثال آن و نیز حضور آشکار چهره‌های غربی به‌عنوان فرماندهان و رهبران آن، ابعاد مذهبی آن را به‌شدت کم‌رنگ نموده و ابعاد اجتماعی مانند فقر و حس تبعیض را در کنار زمینه‌های سیاسی-امنیتی در جایگاه مهم‌تری می‌نشانند. **کلیدواژه‌ها:** داعش، تحلیل روایت، جنگ مذهبی، عضویت در گروه‌های تروریستی، عراق.

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۲. نویسنده مسئول: پژوهشگر دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع)، تهران، ایران.

## مقدمه و بیان مسئله

ظهور گروه‌های افراطی و خشونت‌طلب در منطقه جنوب غرب آسیا در چند دهه اخیر رشد روزافزونی داشته است. طالبان و القاعده در دهه هشتاد شمسی و سپس داعش و النصره در دهه نود در شرق و غرب ایران، افکار عمومی و نیز مسئولان کشور را متوجه خطرات این تفکرات نمود. ایرانیان در دهه شصت شمسی، تجربیاتی مشابه آنچه اکنون در افغانستان و سوریه و عراق می‌گذرد را داشته‌اند؛ گروه‌های خشونت‌طلبی چون سازمان مجاهدین خلق، کومله و دموکرات که از قضا دارای کمترین زمینه‌های مذهبی و دینی محسوب می‌شوند، خشونتی بیش از آنچه داعش و طالبان انجام می‌دهند را در ایران جاری کرده بودند. آنچه از خشونت گروه‌های تجزیه‌طلب در کردستان ایران در اوایل دهه شصت در تاریخ ثبت شده و یا آنچه از رفتارهای سازمان منافقین در تهران و سایر شهرهای ایران بیان شده است، بسیار خشن‌تر و وحشتناک‌تر از اقدامات کنونی گروه‌های تکفیری می‌باشد.<sup>۱</sup> از سوی دیگر قرن‌های متمادی، مذاهب مختلف اسلامی در کنار یکدیگر با زندگی عادی خود مشغول بوده و نه تنها در این زندگی عادی، به قتل و غارت یکدیگر مشغول نبوده‌اند که ازدواج و تجارت و سفر و تحصیل بین مذاهب، امری جاری و عادی محسوب می‌شده است. هرچند برهه‌هایی از تاریخ، تنش‌ها و درگیری‌هایی بین مذاهب ثبت شده است، اما این‌ها مواردی استثنای متأثر از سیاست‌ها و حکومت‌ها بوده است. ساده‌سازی مسئله به تقابل ایدئولوژیک و مذهبی، همان قدر اشتباه است که غفلت از زمینه‌های فکری و اعتقادی آن نادرست می‌باشد. به راستی چه عاملی سبب می‌شود که ملت‌هایی که قرن‌های متمادی در یک هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با یکدیگر به روابط اجتماعی دوستانه مشغول بوده‌اند، به یک‌باره علیه یکدیگر دست به سلاح برده و خون یکدیگر را مباح بشمارند؟ کدام زمینه‌های اجتماعی هستند که یک جامعه را تا این حد، به قتل و خشونت ترغیب می‌کنند؟

نباید تصور کرد خشونت‌های جاری در عراق و سوریه و افغانستان محدود خواهد ماند و پای‌شان به ایران باز نخواهد شد. جنوب شرق ایران، بنیادگرایی متمایز از بنیادگرایان حجاز و آفریقا حضور دارند (بهرامی، پاییز ۱۴۰۰، ص. ۲) و گرایش به این گروه‌ها در جنوب استان کرمان

۱. کتاب‌هایی مانند «چته‌ها» اثر ابراهیم حسن‌بیگی و «حکایت زمستان» اثر سعید عاکف و «چادر وحدت» اثر حمید داوودآبادی به بیان بخشی از این خاطرات پرداخته‌اند.

نیز افزایش داشته است. (خلیلی، نصری و دست افشان، پاییز ۱۴۰۰، ص. ۱۰) همچنین در شمال شرق کشور و در کشورهای آسیای میانه نیز داعش توانسته طرفدارانی برای خود تربیت کند و در آینده بیم آن می‌رود که به علت هم‌مرز بودن با ایران، بتواند اقدامات خود را به سوی ایران نیز گسترش بدهد. (اخوان کاظمی، صادقی و لطفی، بهار و تابستان ۱۳۹۷) در غرب کشور نیز مشخص شده «یکی از منابع هویت‌ساز در کردستان ایران، سلفی‌گری است» (اعظم آزاد و بقالی، تابستان ۱۳۹۱، ص. ۴) و در جنوب غرب کشور نیز «برخی جوانان شیعه در شهر اهواز به تفکرات تکفیری و هابی‌گرایی پیدا کرده‌اند.» (مرادی و محمودی رجا، پاییز ۱۴۰۱، ص. ۴۴) همچنین در پژوهش دیگری، سه جریان مهم سلفی ایرانی در بین اهل سنت شناسایی شده که دارای تمایزات اساسی با سایر جریانات سلفی در دیگر کشورهای اسلامی هستند. (عنبرمو، پاییز ۱۳۹۹، ص. ۱۷۳) این حجم از آثار علمی در خصوص جریانات تکفیری و سلفی و خشونت‌طلب از شرق تا غرب ایران، نشان‌دهنده شنیده شدن صدای پای خطر در گوش متفکران علوم اجتماعی ایران است. نکته مهم‌تر آن که در تحقیقات آینده پژوهانه نسبت به سرنوشت گروه‌های خشونت‌طلب، نابودی کامل این گروه‌ها به عنوان سناریوی محتمل یا حتی ممکن نیز پیش‌بینی نشده و سرکوب موقت آن‌ها را حالت مطلوب دانسته‌اند. (اخوان کاظمی، صادقی و پروندی، خرداد ۱۳۹۷، ص. ۱۹۱) اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ و آنچه در خیابان‌های ایران رخ داد، این موضوع را در ذهن جامعه‌شناس ایرانی پراهمیت‌تر می‌کند. فاجعه سلاخی کردن، سر بریدن، زنده‌زنده آتش زدن، هتک نوامیس و مواردی از این دست در خیابان‌های ایران توسط اغتشاشگران، ذهن بیدار هر متفکری را متوجه خطر ظهور گروه‌هایی مشابه داعش در ایران می‌کند. به طور مثال فاجعه به شهادت رساندن «سید روح‌الله عجمیان» و «آرمان علی‌وردی» به جرم اعتقادات‌شان توسط جوانانی از این مرزوبوم، زنگ خطر ظهور گروه‌های خشونت‌طلب و افراطی در ایران را به صدا درآورده که اگر از تجربه کشورهای همسایه در سالیان اخیر استفاده شود، شاید بتوان چاره‌ای برای رهایی از این خشونت خونین در ایران جست.

## چارچوب مفهومی

داعش را می‌توان با لنزهای نظری و یا چارچوب‌های مفهومی متفاوتی مورد بررسی قرار داد. به‌طور مثال می‌توان آن را با چارچوب مفهومی بنیادگرایی مذهبی کنکاش نمود، اما همان‌طور که در مقدمه ذکر شد موضوع خشونت‌ورزی در این گروه برای پژوهشگر اهمیت داشته و از این زاویه به موضوع می‌نگرد.

خشونت و عضویت در گروه‌های خشونت‌طلب، از جمله موضوعاتی است که در پژوهش‌های جامعه‌شناختی مورد توجه بوده است. این موضوع، پدیده‌ای تاریخی و جهانی است و در همه جوامع در طول تاریخ به اشکال مختلفی وجود داشته و فقط شدت آن کاهش یا افزایش می‌یافته یا آنکه شکل آن تغییر پیدا می‌کرده است. به همین دلیل خشونت در ابعاد مختلفی چون خشونت شخصی، گروهی، خانوادگی، مذهبی و ساختاری مورد واکاوی قرار گرفته و برای هر یک از ابعاد مذکور نیز پژوهش‌ها و نظریاتی منتشر شده است. خشونت در سه سطح و رویکرد، تعریف شده است:

- استفاده عینی از قدرت مادی برای ضرر و آسیب رساندن به خویش یا دیگران و تخریب دارایی‌ها برای تأثیرگذاری بر طرف مقابل
- استفاده از قدرت مادی یا تهدید به استفاده از آن
- مجموعه‌ای از اختلاف‌ها و تناقض‌های پنهان در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی (امینی و حزباوی، آذر ۱۳۸۹، ص. ۶۹)

رویکرد سوم، به وضوح خشونت را در ابعاد ساختاری آن مورد توجه قرار می‌دهد در حالی که خشونت در دو رویکرد ابتدایی، ابعاد عینی و ذهنی خشونت هستند و رویکرد سوم، بُعد پنهان و بدون خونریزی آن را نمایش می‌دهد. هرچند «خشونت ساختاری»، بزرگ‌تر و در عین حال پنهان‌تر از دو نوع خشونت نخست است (Bourgois, 2010, p. 10) اما معمولاً بُعد فیزیکی و حداکثر بعد روانی خشونت است که مورد توجه قرار می‌گیرد و آنان که در حال اعمال خشونت ساختاری هستند، معمولاً با کمترین جلب توجه و لذا با کمترین اعتراض می‌توانند کار خویش را استمرار ببخشند. در خصوص داعش نیز همین مسئله مصداق پیدا می‌کند. داعش توسط خودش و دشمنانش به‌طور هم‌زمان به خشونت نوع نخست (که فیزیکی و بسیار عینی) است، شناسانده شده

است و پژوهش حاضر نیز ضمن داشتن نیم‌نگاهی به سایر ابعاد خشونت، بر همین بعد فیزیکی و عینی خشونت در میان اعضای داعش توجه دارد.

اما چرایی «عضویت در گروه‌های خشونت‌طلب» توسط مردمان عادی نیز در پژوهش‌های مختلفی مورد توجه قرار گرفته که دامنه‌ای وسیع از تعصبات مذهبی تا یاس مردم از اصلاح شرایط نابسامان جامعه و از اندیشه انقلابی تا تقابل با استبداد سکولاریستی و نیز پاسخی به سرخوردگی‌های ناشی تبعیض و احساس مظلوم واقع شدن، کسب تشخیص و بازیابی هویت پایمال شده و نیز اقتضای گذار جامعه از سنت به مدرنیسم و شکل‌گیری شرایط آنومیک در این شرایط را شامل می‌شود. این طیف گسترده، علی‌رغم ظاهر مشتت و پراکنده‌اش، گویای ابعاد متفاوتی از یک حقیقت واحد است و اگر در جامعه‌ای همه یا عمده‌ای از این دلایل گرد هم جمع شوند، امکان عضویت افراد در گروه‌های خشونت‌طلب نه تنها افزایش می‌یابد که گاهی ممکن است به ضرورتی ذهنی برای آنان تبدیل شود. ضعف سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی، مهم‌ترین و رایج‌ترین عبارات موجود در جامعه‌شناسی برای توصیف علل عضویت افراد در گروه‌های خشونت‌طلب هستند، هر چند نگارنده معتقد است عبارت «استضعاف در سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی» می‌تواند واژه بهتری برای این توصیف باشد چرا که درون خود، اشاره‌ای واضح به خشونت ساختاری‌ای که این عکس‌العمل را حاصل کرده نیز دارد.

### پیشینه پژوهش

در خصوص زمینه‌های شکل‌گیری جریانات تکفیری در جهان اسلام و چرایی عضویت مردم در این گروه‌ها، پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است. خلاصه آن پژوهش‌ها در قالب جدول ذیل دسته‌بندی شده و ارائه می‌گردد:

الف) توجه به زمینه‌های روان‌شناختی و روان‌شناسی اجتماعی	
در این دسته از مقالات، به مواردی چون تلاش برای کسب تشخیص و یا رهایی از حس خفت گروهی یا محرومیت ناشی از مذهب، مقابله با ناکامی اجتماعی، عکس‌العمل در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی و نیز نابرابری اجتماعی و نیز تصور اتوپیایی از دولت داعش، اشاره شده است.	
عنوان	سال نشر
بررسی شکل‌گیری روانشناسی خشونت در قالب داعش	۱۳۹۶

۱۳۹۹	روان‌شناسی اجتماعی پیدایش گروه‌های تکفیری در عراق
۱۳۹۸	بازنمود زندگی روزمره یوتویپایی زنان غربی پیوسته به داعش در رسانه‌های اجتماعی
۱۳۹۹	تأثیر احساس محرومیت نسبی بر گرایش برخی از ساکنان غرب کشور به داعش
<b>ب) توجه به زمینه‌های جامعه‌شناختی</b>	
تفسیر ایدئولوژیک از دین، بحران دولت-ملت‌سازی، نیاز به استقلال و انتقام‌جویی، بحران هویت و معنویت، انگیزه‌های دینی، نقش رسانه، فرهنگ افتخار و تعصب در جوامع؛ مهم‌ترین زمینه‌های جامعه‌شناختی در تحلیل این پدیده بوده‌اند.	
سال نشر	عنوان
۱۳۹۴	برآمدن داعش در خاورمیانه: تحلیل جامعه‌شناختانه
۱۳۹۵	بررسی علل پیوستن جوانان اروپایی به داعش
۱۳۹۷	پنداشت‌های فرهنگی مذهبی و بازتولید کنش‌های خشونت‌بار: مطالعه موردی داعش
۱۳۹۸	جامعه‌شناسی سیاسی زایش تفکر منازعه‌آمیز داعش در عراق
<b>ج) تقابل سنت و مدرنیته و توجه به پست‌مدرنیسم</b>	
واکنش به هجوم زندگی مدرن و افول زندگی سنتی، اقتضای عصر پست‌مدرن، عکس‌العمل پست‌مدرن به ناکارآمدی‌های مدرنیته، آنا‌رشی بودن نظام جهانی در عصر پست‌مدرن، بحران نسبی، نقش گروه‌های تکفیری به‌عنوان دیگری‌ساز برای هویت غربی در این دسته از مقالات مورد توجه واقع شده‌اند.	
سال نشر	عنوان
۱۳۹۶	علل ظهور و تکوین گروه‌های تکفیری در جهان اسلام؛ از تقابل زندگی قبیله‌ای با مدنیت تا تقابل سنت با مدرنیته؛ مطالعه موردی: خوارج و داعش
۱۳۹۷	زمینه‌های پیدایش و رشد افراطی‌گری در آسیای مرکزی: مطالعه موردی داعش
۱۳۹۷	رادیکالیسم تکفیری، هویت و پست‌مدرنیسم
۱۳۹۷	بررسی کارکردهای هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی گروه‌های تکفیری از منظر شرق‌شناسی
۱۳۹۷	گفتمان مبارزه با تروریسم و ظهور و قدرت‌یابی گروه‌های تکفیری با تأکید بر داعش
۱۴۰۰	چگونگی شکل‌گیری و ممکن شدن داعش و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران
<b>ج) نقش مسائل سیاسی</b>	
بی‌دولتی، ضعف دولت عراق، فشارهای ساختار سیاسی علیه اهل سنت، حضور و نقش اشغالگران، منافع غرب در تأسیس و تقویت جریان‌های تکفیری و تروریستی، نقش برخی کشورهای عربی، ترکیه و حتی رژیم صهیونیستی در تولد و بالندگی گروه‌های تکفیری و تروریستی؛ در این دسته از مقالات مورد توجه واقع شده است. به اختصار، این دسته از مقالات نشان می‌دهند رنگ و لعاب مذهبی برای گروه‌های تکفیری، پوششی دروغین برای پنهان	

کردن منافع و هدایت قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای می‌باشد.	
سال نشر	عنوان
۱۳۸۹	سلفی گری در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران
۱۳۹۴	عوامل قدرت‌یابی داعش در عراق
۱۳۹۴	نقش کشورهای غربی در چگونگی شکل‌گیری اندیشه سلفی
۱۳۹۵	نقش ایالات متحده آمریکا در شکل‌گیری جریان‌های افراطی در جهان اسلام
۱۳۹۶	تحلیل نقش ساختار اجتماعی سوریه و خاورمیانه در شکل‌گیری و گسترش جریان سلفی گری در سوریه با کاربست نظریه سازه‌نگاری
۱۳۹۶	بررسی علل و عوامل شکل‌گیری داعش
۱۳۹۷	بررسی زمینه‌های جامعه‌شناختی شکل‌گیری و قدرت‌یابی گروه سلفی - تکفیری داعش در عراق
۱۳۹۸	نقش آمریکا در شکل‌گیری گروه تکفیری دولت اسلامی عراق و شام (داعش)
۱۳۹۹	مناطق مساعد برای میزبانی حرکت‌های رادیکال سلفی تکفیری در جهان اسلام: گمانه‌هایی برای دهه منتهی به سال ۱۴۱۰ شمسی
۱۴۰۰	بررسی عوامل مؤثر در ظهور و قدرت‌یابی داعش در یمن

مرور همه آثار پژوهشی فوق نشان می‌دهد علی‌رغم اینکه ایران به لحاظ جغرافیایی در تماس مستقیم و همه‌جانبه با گروه‌های تکفیری در شرق و غرب خود قرار داشته و سال‌ها درگیری نظامی و امنیتی با آنان را تجربه کرده است، متأسفانه پژوهشگران ایرانی-آن هم در حوزه جامعه‌شناسی-کمترین مواجهه مستقیم با اینان را داشته و به مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای (و از راه دور) اکتفا کرده‌اند. فضای دانشگاهی ایران نتوانسته آثاری که حاصل مواجهه مستقیم متفکران علوم اجتماعی با پدیده‌های اساسی جاری باشد، تولید نماید. البته برخی آثار ترجمه‌ای، دریچه‌ای به درون تشکیلات گروه‌های خشونت‌طلب گشوده‌اند. کتاب‌هایی چون «طالبان: سپاهیان خدا در نبرد اشتباهی» (هویدی، ۱۴۰۰)، «زندگی زیر پرچم داعش» (خضاب، ۱۴۰۰)، «کاملاً سری: روایت القاعده از ۱۱ سپتامبر با نگاهی منصفانه به حواشی آن» (فوده، ۱۳۹۸)، «من در رقه بودم: خاطرات محمد الفاهم (ابوزکریا) عضو جدا شده داعش» (یحمد، ۱۳۹۸)، «در راه پر دردسر: روایت سفر به خانه‌های امن القاعده» (فوده، ۱۳۹۸)، «روزی روزگاری القاعده: خاطرات ایمن دین، عضو جدا شده القاعده و جاسوس دستگاه امنیتی انگلیس» (خضاب، ۱۳۹۸)، «از افغانستان تا لندنستان»



(الناصری، ۱۳۹۸) و «کتاب نگاهی به داعش از درون، ۱۰ روز در دولت اسلامی» (تودنهوفر، ۱۳۹۴) مهم‌ترین کتاب‌های ترجمه شده در ایران هستند که به جای ارائه تحلیل‌های از دور، به روایت‌هایی از درون این گروه‌ها پرداخته‌اند و می‌توانند افق‌هایی دقیق بر جامعه‌شناسان ایرانی در این حوزه بگشایند.

### روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش از روش تحلیل روایت‌های کلیدی، بهره برده شده است. «آنچه یک رویداد را حیاتی می‌کند، تأثیر آن بر راوی داستان است. یک رویداد حیاتی تقریباً همیشه یک تجربه تغییر است. تجربه تغییر می‌تواند زمانی اتفاق بیفتد که راوی با مشکلاتی برای برقراری توازن بین جهان‌بینی ایده‌آل خود و تجربه زیسته‌اش مواجه شود.» (وبستر و مرتوا، ۱۳۹۶، ص. ۱۱۹ به نقل از فی ۲۰۰۰) رویدادهای کلیدی لحظات و دوره‌های پرتنش هستند که پیامدهای گسترده‌ای در تغییر و تحولات شخصی دارند. (woods, 1993, p. 356)

اهمیت رویدادهای کلیدی در این است که این رویدادها هستند که توان تغییر دادن رفتار انسان‌ها را دارند و در جامعه عراقی که گویا یک شبه، زیرورو شده و مردمان عادی آن به جنایتکاران داعشی تبدیل شده‌اند؛ بهره بردن از این روش کارایی بیشتری می‌یابد؛ هرچند برخی معتقدند «شناسایی رویدادهای کلیدی» به واسطه تأثیری است که بر راوی دارند؛ اما واقعیت آن است که گاهی مشاهده پدیده‌ها از بیرون، بزنگاه‌های کلیدی آن‌ها را برای محققان ترسیم کرده و آنان می‌توانند با تخمینی نزدیک به واقعیت، از این بزنگاه‌ها به مثابه لنز نظری و چارچوبی برای انجام مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته بهره ببرند می‌توان در یک مصاحبه باز و با بیان سؤالات حساسیت‌برانگیز، راوی را به سوی روایت رویدادهای کلیدی سوق داد؛ اما اگر لنز نظری مشخصی در تحقیق مورد نظر باشد، مصاحبه نیمه ساختاریافته برای کشف این رویدادهای کلیدی مناسب‌تر هستند.

رایزمن پنج مرحله برای پژوهش‌های روایت‌محور بیان کرده است:

۱. توجه: مصاحبه‌شونده/شرکت‌کننده به یادآوری تجارب خود می‌پردازد.

۲. بیان کردن: او به بازگویی مجدد رخداد و تفسیر خود از آن رخداد و شخصیت‌ها و زمینه‌های آن می‌پردازد.

۳. رونوشت کردن: پیاده‌سازی متن توسط پژوهشگر انجام می‌پذیرد.

۴. تحلیل کردن: متون متفاوت مورد تحلیل‌های جداگانه قرار گرفته و مشابهات در قالب «یک فراداستان» توسط پژوهشگر بازنویسی می‌شوند.

۵. خواندن: پژوهشگر در نهایت فراداستان را با تفسیرهای خود به سرانجام می‌رساند. گزارش نهایی تحقیق، همان تفسیر پژوهشگر از روایت یا روایت‌هاست. (Riessman C. K., 2007, pp. 349-361)

باید توجه داشت در این بازسازی روایی و بیان روایت نهایی، نظم زمانی ضرورت ندارد بلکه می‌توان با توجه به تنش و چالش موجود در داستان یا جذابیت آن را سروسامان داد. (طیبی ابوالحسنی، تابستان ۱۳۹۸، ص. ۸۰) به نقل از (Cleland, 2017, p. 481)

در پژوهش حاضر مصاحبه‌هایی از داعشی‌های موجود در زندان‌های عراق که در کتاب «از فرانکفورت تا رقه، گفتگو با اعضای داعش» (معصومی زارع، ۱۴۰۰) منتشر شده، مورد بررسی قرار گرفتند که جزئیات آن به شرح جدول ذیل می‌باشد:

نام	محل تولد	سن	تحصیلات	شغل	تاهل	فرزندان
سجاد	موصل	۱۵	چهارم ابتدایی	بیکار	مجرد	۰
انور	تکریت	۲۵	بی‌سواد	کشاورز-بنا	متاهل	۱
عمر	بغداد	۳۰	ششم ابتدایی	آرایشگر مردانه	متاهل	۳
بلال	بغداد	۲۳	لیسانس	بیکار	متاهل	۲
هادی	شرقاط	۳۷	نامشخص	معلم جغرافیا	مجرد	۰
محمدطه الجبوری	بیجی	۴۸	ششم ابتدایی	سرایدار مدرسه	متاهل	۲
عباس موسی محمود	رقه-سوریه	۱۹	لیسانس	بیکار	مجرد	۰
رضوان احمد یونس	موصل	۴۳	پنجم ابتدایی	راننده	متاهل	۴
ابراهیم	شرقاط	۲۱	سوم دبیرستان	بیکار	مجرد	۰

شماره صفحات مبتنی بر کتاب مورد پژوهش، در قالب شماره‌هایی کوچک در پایین هر جمله مربوطه آورده شده تا در خواندن روایت اختلال ایجاد نکند. در این بازسازی داستانی، داعشی‌ها

از زندگی شان در قالب چهار موقعیت «زندگی پیش از عضویت در داعش»، «تحول اوضاع»، «زندگی زیر پرچم داعش» و «اسارت» سخن می‌گویند.

### سؤالات پژوهش

- ۱- مردمان عادی در چه فرایند اجتماعی به عضویت در گروه تروریستی داعش درآمده‌اند؟
- ۲- تجربه زندگی ذیل یک گروه خشونت طلب برای اینان چگونه بوده است؟
- ۳- ارزیابی آنان از فرایند زندگی این چینی‌شان چه می‌باشد؟

### یافته‌های پژوهش

#### موقعیت اول: زندگی عادی پیش از عضویت در داعش

مضمون اصلی	مضامین فرعی	موقعیت اول
فقر و محرومیت اجتماعی	فقر / گرسنگی / بیماری صعب‌العلاج اعضای خانواده / بی‌سوادی و کم‌سوادی	زندگی عادی پیش از عضویت در داعش
زندگی مسالمت‌آمیز با شیعیان	رواج ازدواج بین‌مذهبی / همسایگی خوب با شیعیان / حضور در اماکن مذهبی شیعیان / نهادن اسامی شیعه بر فرزندان اهل سنت	
دین‌داری متوسط به پایین	ناتوانی از روخوانی قرآن / عدم التزام به حضور در مسجد و نماز جمعه / سستی در خواندن نمازهای یومیه / ناآشنایی با احادیث و روایات	
آلودگی به انحرافات جنسی	دوستی با جنس مخالف / تماشای فیلم‌های بدون سانسور و حتی مستهجن	

الف) فقر و محرومیت اجتماعی: «زندگی بسیار سختی را گذرانده‌ام، آن‌قدر سخت که در ۳۷ سالگی هنوز نتوانسته‌ام ازدواج کنم درحالی‌که در منطقه ما جوان‌ها بسیار زود ازدواج می‌کنند.» (۹۶) «به علت وضعیت اقتصادی آن زمان و فقر شدید پدرم و بی‌علاقگی خودم، درس خواندن را تا ششم ابتدایی بیشتر ادامه ندادم و به بازار کار رفتم.» (۷۸) «کار و شغل چندانی در منطقه ما وجود نداشت و برخی مردم واقعاً فقیر بودند. آدم‌هایی را می‌شناسم که در روز واقعاً فقط یک وعده غذا داشتند. این‌ها در تمایل مردم به داعش مؤثر بود.» (۱۱۴)

ب) زندگی مسالمت آمیز با شیعیان: تا پیش از ظهور داعش، شهرها و روستاهای مناطق سنی نشین مملو از حضور و ارتباط با شیعیان بوده و هر کدام از اهل سنت به نحوی از هم زیستی صمیمانه با شیعیان سخن می گویند: «پدر و مادرم سنی بودند اما مادر بزرگم شیعه بود. در شهرمان همسایه های شیعه داشتیم» (۲۲) [...] حتی قبل از [جنگ] چند بار با پدرم و مادر بزرگم به نجف و کربلا رفته بودم. «من سنی هستم اما نام من هادی است؛ نام امام سامرا! اسم پدرم حسین و پدر بزرگم علی و اسم جدم حسین! اصلاً شاید خود شیعه هم این قدر مقید نباشد.» (۹۸) «[شیعیان] در طارمیه حسینه داشتند و بعضی از ما اهل سنت در ساخت آن به ایشان کمک کرده بودیم و گاهی حتی در آن نماز می خواندیم. آن ها هم بدون ترس و نگرانی خاصی در مساجد ما نماز می خواندند.» (۹۱)

ج) دین داری متوسط به پایین: داعشی هایی که در رسانه ها به تندروهای مذهبی شناخته می شوند، در زندگی عادی شان اصلاً افراد مقید و مذهبی ای نبوده اند. به طور کلی از میان همه موارد مورد پژوهش، فقط یک نفر توانایی خواندن از روی قرآن را دارد و الباقی کاملاً ناتوان از این کار هستند. «فرصت مسجد رفتن نداشتیم و در خانه نماز می خواندم، البته بعدها در زندان فهمیدم که نمازم صحیح نبوده است. سواد نداشتیم و قرآن نمی خواندم.» (۶۴) «من تا قبل از ملحق شدن به داعش اصلاً مسجد نمی رفتم، حتی در نماز جمعه هم شرکت نمی کردم.» (۱۲۹)

د) آلودگی به انحرافات جنسی و اخلاقی: دینداری حداقلی شان با آلودگی به گناهان اخلاقی توأم بوده است. «ما در منزل ماهواره داشتیم و فیلم های غربی و ترکیه ای می دیدم. احياناً در این فیلم ها صحنه های مستهجن هم وجود داشت ولی خب تقریباً عادی بود [با خنده]. ما همه جوان بودیم و این صحنه ها را می دیدیم دیگر.» (۱۲۹)

### موقعیت دوم: تحول اوضاع

مضمون اصلی	مضامین فرعی	موقعیت دوم
حضور مبلغان	اسلام خواهی / مبارزه با اشغالگران / مبارزه با کفار و شیعیان / احقاق حقوق اهل سنت / رهایی از فقر	تغییر سریع و ناگهانی اوضاع
افزایش خشونت	درگیری مذهبی / تنش در خانواده ها	
تمایل به عضویت	انتقام جویی / الگو گیری از فیلم های جنگی / رقابت های جوانی / فقر و نیاز / مبارزه با اشغالگران و شیعیان	
مقاومت در برابر عضویت	نصیحت / برخورد تند / طرد از خانواده	

اوضاع عادی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز مذاهب با یکدیگر به سرعت منقلب می‌شود. مردمانی با زندگی عادی و فقیرانه به ناگاه شوالیه‌های خشنی برای تشکیلاتی ایدئولوژیک تبدیل می‌شوند. خودشان این فرایند را در یک زمینه اجتماعی توصیف می‌کنند که با تبلیغات شروع شده و کنش‌های خشن در بستر خیابان به آن دامن زده و در نهایت اینان را متمایل به عضویت در این تشکیلات کرده است.

الف) حضور مبلغان: از اسلام خواهی و احقاق حقوق اهل سنت و رهایی از فقر گرفته تا مبارزه با اشغالگران آمریکایی، دامنه تبلیغات آنان را شامل می‌شده است. «در روزهای اول شعار می‌دادند ما انقلابیون عشایر هستیم و می‌خواهیم شما مردم اهل سنت را از چنگال دولت ظالم بغداد نجات دهیم.» (۶۵) «آن‌ها می‌گفتند ما می‌خواهیم اسلام و شریعت را در موصل پیاده کنیم و ریشه فقر را در این شهر و استان بکنیم.» (۱۴۰)

روحیه استقلال‌طلبی عراقی‌ها و ناراحتی آنان از تحقیر مستمر توسط اشغالگران آمریکایی، دیگر زمینه عضویت در تشکیلات نظامی داعش بوده است. «یکی از همسایگان مرا اقناع کرد که مسیر مبارزه با اشغالگری از بیعت با ابوعمر البغدادی می‌گذرد.» (۸۹) «پس از اشغال عراق، فرماندهان و رهبران القاعده به منازل و مساجد محل ما آمدند و از جوان‌ها می‌خواستند به قیام مسلحانه بر ضد اشغالگران آمریکایی و شیعیان بیوندند... می‌گفتند شیعیان همواره با دشمنان اسلام بر ضد اهل سنت هم‌پیمان بوده‌اند و اکنون هم با آمریکایی‌ها هم دست شده و می‌خواهند اهل سنت را بکشند یا از عراق اخراج کنند.» (۷۸)

مردم به زندگی با شیعیان عادت داشتند و آن‌ها را از نزدیک می‌شناختند، لذا در برابر این حرف‌ها، مقاومت‌های ذهنی جدی نیز وجود داشته است. یکی از همسایگان ما که سابقاً افسر بعث بود و در دوره جنگ به اسارت ایرانی‌ها در آمده بود، به من می‌گفت «داعشی‌ها دروغ می‌گویند. خود من چند سال در ایران اسیر بوده‌ام و برعکس ایرانی‌ها بسیار خوش برخورد و خوب بودند و هرگز تلاش نمی‌کردند ما را شیعه کنند.» (۱۰۹) «بسیار با خودم کلنجار رفتم. می‌دیدم آنچه آن‌ها در خصوص شیعیان به من می‌گویند با مشاهدات شخصی‌ام از همسایه‌های شیعی‌مان تفاوت دارد و آن‌ها مشرک و کافر نیستند. می‌دانستم آن‌ها اهل بیت (ع) را نمی‌پرستند و تنها آن‌ها را دوست

دارند و به زیارت‌شان می‌روند. قبل از این چند بار با پدرم و مادر بزرگم به نجف و کربلا رفته بودم. چهره مادر بزرگم مدام جلوی چشمم ظاهر می‌شد.» (۵۰)

ب) افزایش خشونت: «القاعده حسینه شیعیان را آتش زد و آن‌ها را از محله ما کوچاند و اموالشان را مصادره کرد و شیعیان را کشت. آنان نیز واکنش نشان دادند.» (۹۱) «ابتدا به حسینیه‌ها و محله‌های شیعی و صائبی حمله شد، سپس آن‌ها عکس‌العمل نشان دادند و شماری از جوانان بی‌گناه اهل سنت و نیز اعضای القاعده کشته شدند و اوضاع به طور کلی عوض شد.» (۷۹)

ج) تمایل به عضویت: زمینه‌های مختلفی شکل‌دهنده تمایل افراد به عضویت در داعش می‌شوند و نکته مهم آن‌که ظهور داعش، خودش تشدید کننده این زمینه‌ها می‌شده است. جبر اجتماعی و اقتصادی ناشی از ظهور داعش، عاملی پیشران در عضویت در این تشکیلات بوده است: «من چاره‌ای جز پیوستن به داعش نداشتم. وقتی داعش به موصل آمد، بر همه ادارات از جمله اداره ما مسلط شد و همه ما را وادار به توبه و سپس بیعت با خلیفه کرد و از همان‌جا در کار قبلی‌ام مشغول شدم. من ناچار بودم با داعش بیعت کنم تا در همان اداره محل کار خودم بتوانم کار کنم. حرفه و مهارت دیگری هم بلد نبودم که دنبال کار آزاد باشم. پس مجبور شدم در همان اداره باقی مانده و برای داعش کار کنم.» (۱۴۳) «پس از ظهور داعش، دولت عراق به مبارزه با آن‌ها پرداخت. با شروع بمباران‌ها من بیکار شدم، دخترم مریض بود و شیر مادرش هم خشک شد و من باید شیر خشک تهیه می‌کردم.» (۶۶) «چیزی میان نیاز مالی و همراهی با جمع و کم‌نیاب کردن مقابل جوانان محل مرا به این وادی کشاند، نه مسائل اعتقادی و دینی و انتقام‌گیری.» (۶۶)

عضویت در داعش، گاهی راه‌گزینی از خود داعش نیز بوده است. «همسایه‌ها به دروغ مرا به کفر و توهین به خداوند متهم کرده بودند و شما می‌دانید که مجازات کفر و سب پروردگار، اعدام است. من برای رهایی از اعدام تصمیم گرفتم به تشکیلات بپیوندم.» (۳۰) «به هم‌ریختگی اجتماعی ناشی از حضور داعش، گاهی راه‌گزینهایی از محدودیت‌های اجتماعی برای افراد فراهم می‌کرده است.» «من عاشق دختر همسایه‌مان شده بودم و پدرم اجازه ازدواج نمی‌داد... یکی دیگر از موانع ازدواج ما، مخالفت احتمالی پدر ساره بود که البته در وضعیت آن روزها، معمولاً انسان‌های عادی از روی ترس هم که شده جرت مخالفت با خواستگار داعشی دختر خود را نداشتند.» (۱۲۵-۱۲۷)

عضویت در داعش، گاهی می‌توانسته رؤیاهای ذهنی جوانان را نیز برآورده سازد: «باید اعتراف کنم که [...] من با دیدن گشت و کشتارهای موجود در فیلم‌ها [ی غریبی] به شدت تحت تأثیر قرار گرفته بودم و دوست داشتم چنین فیلمی را بر روی زمین در واقعیت اجرا کنم.» (۱۲۸)

البته بی‌انصافی است که فقر یا یافتن گریزگاه‌های اجتماعی را تنها شروط برای عضویت در داعش بدانیم. «ورود من به تشکیلات کاملاً اعتقادی و تحت تأثیر صحبت‌های ملاعیسی بود و گرنه حقوق من در تشکیلات، حدود یک ششم دوران سرایداری در مدرسه بود.» (۱۱۰)

د) مقاومت در برابر عضویت: این‌گونه نبوده که پیوستن به داعش برای افراد، بی‌هزینه باشد بلکه بزرگ‌ترها و باتجربه‌ها، جوانان را از این انتخاب منع می‌کرده‌اند. نوعی مقاومت اجتماعی به شکلی کاملاً مخفی و درون شبکه‌ای از نزدیک‌ترین روابط خانوادگی جریان داشته است. «پدر خودم مرا از منزلش بیرون کرد و گفت تا وقتی در آن تشکیلات کوفتی (داعش) هستی، حق این که پایت را در خانه من بگذاری، نداری» (۷۲) «وقتی پدرم از قصد من برای پیوستن به تشکیلات مطلع شد، به شدت با من برخورد کرد و مقابلم ایستاد تا جایی که حتی سه ماه مرا در جایی محبوس کرد.» (۱۰۷)

### موقعیت سوم: زندگی زیر پرچم داعش

مضمون اصلی	مضامین فرعی	موقعیت سوم
فرایند عضویت	اقتناع / داوطلبی / عدم امکان انصراف	زندگی زیر پرچم داعش
تعالیم داعش	آموزش عقیدتی / آموزش نظامی	
به هم ریختن زندگی عادی	فقر / استبداد	
رفتار داعشی‌مآب	تکفیر / جنگ / سرقت / ترور / بمب‌گذاری / امورات اداری	
داعش از درون	انصار و مهاجرین / نسل اول و دیگران / فرماندهان و نیروها	
تناقض و سرخوردگی	خارجی‌ها و بومی‌ها / مبارزه یا خیانت؟ / دین یا فساد؟ / احقاق حقوق اهل سنت یا سرکوب آنان / تمنای رهایی از داعش	

زندگی زیر پرچم داعش، همان رخدادی است که همه ابعاد حیات اعضا را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. اکنون، زندگی درون تشکیلات داعش برای اینان شروع شده و دیگر خبری از تبلیغات له یا علیه داعش برای‌شان موضوعیت ندارد چرا که این خودشان و زندگی جاری‌شان است که موضوع اخبار شده و می‌توانند آن را بدون پرده رسانه‌ها، لمس کنند.

الف) فرایند عضویت: ورود به تشکیلات کاملاً داوطلبانه و با اختیار خودمان بود (۱۰۹). اما «خروج از تشکیلات بدون عذر شرعی، به مثابه خیانت و تمرد تلقی می‌شد و ممکن بود مجازات مرگ در پی داشته باشد.» (۱۱۰) «هم‌زمان من اگرچه بدون اجبار به داعش پیوسته و کسی مجبورشان نکرده بود، اما بسیاری‌شان به علت سختی وضعیت زندگی و نبود کار، وارد این گروه شده بودند.» (۱۱۴) «بسیاری از مردم منطقه ما در نظام سابق، عضو حزب بعث بودند [لذا به راحتی با تشکیلات همراه می‌شدند].» (۱۱۴)

ب) تعالیم داعش: فرماندهان داعش برای جوانان عراقی دوره‌های آموزشی - شامل آموزش عقیدتی و نظامی - تدارک دیده بودند تا فرایند اجتماعی شدن افراد درون تشکیلات را مدیریت نمایند. «کتاب اول دوره آموزشی، دروس اعتقادی بود، کتاب دوم دوره شرعی ما در خصوص نماز و روزه و مبطلات آن دو و غسل جنابت و اموری از این دست بود. کتاب سوم به احکام جهاد مربوط می‌شد؛ احکام مبارزه با کفار و مشرکین، احکام غنائم، افراد مهدورالدم و...» (۳۹-۴۰) «مربیان سعودی دوره شرعی ما می‌گفتند تنها ما موحد هستیم و رافضی‌ها (شیعیان) همگی مشرک و مهدورالدم هستند.» (۳۸) البته کلاس‌های عقیدتی آن‌چنان مطابق میل داعشی‌ها پیش نمی‌رفته و علی‌رغم توبه و بیعت، دل‌های بسیاری از مخاطبان با آنان همراه نشده بوده است. «من شیعیان را دیده بودم و مادر بزرگ خودم هم شیعه بود و می‌دانستم مربیان اشتباه می‌گویند، اما اگر با آن‌ها بحث وجدل می‌کردیم، یا برداشت‌های آن‌ها را می‌بردیم، ما را مجازات می‌کردند... کمترین مجازات شلاق و تکرار شدن دوره یک‌ماهه بود.» (۳۹)

ج) رفتار داعشی مآب: دوره‌های آموزشی به پایان می‌رسد و پس از مراسم توبه و بیعت، افراد به عنوان عضو رسمی تشکیلات شناخته شده و زندگی جدیدی را شروع می‌کنند. «بسیاری از جوانان داعشی تا پیش از پیوستن به تشکیلات فیلم مستهجن می‌دیدند و دوست دختر داشتند اما حالا همه را تکفیر می‌کردند.» (۱۱۱) اموال شیعیان را می‌دزدیدیم و با فروش اموال مسروقه، هزینه‌های تشکیلات را تأمین می‌کردیم. این مساله برای من خیلی گران تمام شد. من فکر می‌کردم برای جهاد آمده‌ایم، اما به من می‌گفتند باید دزدی کنی! (۸۲) مردم عادی که با انگیزه دینی و رفع فقر و امثال آن وارد تشکیلات شده بودند، اکنون خود را در حال فرو رفتن در دریای خون می‌بینند: «تشکیلات از من خواست بمبی را در منطقه صدر بغداد منفجر کنم؛ اما من غیرمستقیم بهانه آوردم



و از قبول آن خودداری کردم. با آن که ترور افراد خاص را پذیرفته و اجرا کرده بودم، هرگز نمی‌توانستم بپذیرم در منطقه‌ای که در آن مردم بی‌گناه تردد می‌کنند، چنین کاری بکنم.» (۹۰)

د) به هم ریختن زندگی عادی: جریان زندگی عادی مردم با قدرت گرفتن داعش در منطقه به هم می‌ریزد. دیگر خبری از اقناع و بیعت و داوطلبی نیست و «تقریباً تمام شیوخ و رهبران عشایر با آن‌ها همراهی می‌کردند؛ چاره دیگری هم نداشتند! اگر همراهی نمی‌کردند، حتماً اعدام می‌شدند.» (۹۸) «در این دوره تعداد زیادی از مردم روستا به اتهام ارتداد، اعدام یا ذبح شدند.» (۱۱۵) «به موازات سختگیری‌های امنیتی، دیوان حسبه هم به مردم بسیار فشار می‌آورد و بابت بلندی شلوار و کوتاهی ریش، افراد را شلاق زده و جریمه مالی هم می‌گرفتند.» (۱۰۱) نارضایتی عمومی از رفتار داعش به مرور افزایش می‌یابد و البته «تشکیلات هر فردی [حتی از مردم عادی] را اسیر می‌کرد، ذبح یا تیرباران می‌کرد» (۶۷)

سخت‌گیری‌های داعش با فقر فراگیر ناشی از جنگ و سوء مدیریت داعشی‌ها عرصه زندگی را بر مردم عادی به شدت تنگ می‌کند. «وضع اقتصادی بسیار بد بود. کالاها بسیار ارزان بودند اما مردم پولی برای خرید نداشتند. حقوق تشکیلات اصلاً کفاف مخارج‌مان را نمی‌داد.» (۱۱۵)

ه) داعش از درون: تشکیلاتی که خودش را تنها مدافع اسلام اصیل و مبارز علیه کفر و ارتداد دانسته و به همین بهانه فشارهای زیادی به مردم وارد می‌کند، از درون رنگ و بوی دیگری دارد. «آن خواهرم که همسر امیر منطقه‌ای داعش بود، از هم‌خوابگی دائمی او با کنیزکان ده تا دوازده ساله نوجوان ایزدی، همیشه غمگین بود و گریه می‌کرد.» (۱۶۲)

مسئله دیگری که برای اعضای بومی داعش بسیار گران و سنگین می‌آمده، کیفیت حضور و منش نیروهای خارجی یا «مهاجرین» بوده است. «نیروهای مهاجر با ما بومی‌ها با تکبر برخورد می‌کردند و خودشان را خیلی می‌گرفتند. خودشان را برتر و بهتر از ما می‌دانستند.» (۱۴۴) «مهاجرین به ما اعتماد نداشتند و رابطه ما بومی‌ها با داعشی‌های خارجی چندان گرم نبود و در بیشتر مواقع پرتنش بود.» (۱۳۳)

علاوه بر تکبر، مسئله تبعیض و فاصله طبقاتی بین مهاجرین و بومی‌ها نیز بسیار آزاردهنده بوده است. «حقوق فرد مجرد، پنجاه دلار بود که با آن می‌شد چهار بسته سیگار خرید! به متأهل‌ها ۲۰۰ دلار می‌دادند؛ اما حقوق مهاجرین (اعضای غیرعراقی داعش) هفتصد تا هشتصد دلار در ماه بود.

غذای مهاجرین را از رستورانی خارج از پادگان برای شان می آوردند و به طور کلی مهاجرین وضعیت بسیاری بهتری نسبت به انصار داشتند.» (۴۷)

البته این فاصله طبقاتی، صرفاً در حقوق و مزایا نبوده بلکه در جایگاه‌های شغلی هم بوده است. «خارجی‌ها بیشتر نقش فرماندهی، آموزش و هدایت نیروها را بر عهده داشتند.» (۱۳۳) «خود من در منطقه داعشی‌هایی از فرانسه، انگلستان و آلمان را از نزدیک دیده بودم. آن‌ها فرماندهانی بودند که طرح‌ریزی نقشه‌های عملیاتی بر عهده‌شان بود. همچنین بر تمامی امور سیطره داشتند و نیروهای عراقی را رهبری و فرماندهی می کردند.» (۱۶۶) «نکته جالب توجه برای من و دیگر هم‌زمان سوری و عراقی من این بود که این مهاجرین عموماً - و نه همه‌شان - مستقیم در جنگ شرکت نمی کردند و تنها نیروها را سازمان و آموزش می دادند و به خطوط نبرد راهی می کردند و خودشان در عقبه می ماندند یا به سرعت از جبهه نبرد عقب می نشستند.» (۱۳۲)

البته اختلاف فقط درون تشکیلاتی و میان خارجی‌ها و بومی‌های داعش نبوده، بلکه خارجی‌ها در تعامل با مردم عادی هم رفتارهای نامناسبی از خود نشان می داده‌اند. «تساهل انصار با مردم بومی و تندخویی مهاجرین با عراقی‌ها اعم از آن که عضو تشکیلات باشند یا نه، منجر به اختلاف فی مابین شده بود. آن‌ها بسیار سخت گیرتر بودند و خشن رفتار می کردند.» (۴۷)

و) تناقض و سرخوردگی: «اساساً من برای مبارزه با آمریکایی‌ها با آن‌ها همراه شده بودم، اما انگار آن‌ها دغدغه دیگری داشتند و پیوسته اصرار می کردند در اماکن عمومی بمب‌گذاری کنم... تنها دغدغه‌شان حمله به شیعیان و نیروهای امنیتی سنی مذهب بود که به آن‌ها مرتد می گفتند.» (۹۰)

هرچند تبلیغات اولیه مبنی بر دفاع از اهل سنت و مبارزه با اشغالگران فقرزدایی و عدالت، مردمان عادی را شیفته خود کرده بوده، اما خیلی زود پرده از رخسار حقیقت کنار رفته و ادعاهای کذب داعش، برملا می شود. «رفتار تشکیلات به مرور با مردم بسیار سخت گیرانه شد. آن‌ها در ماه‌های ابتدایی با مردم بسیار خوب رفتار می کردند اما به مرور برخوردهای تندشان آغاز شد. بسیاری از کسانی که توبه کرده و امان‌نامه داشتند را سر به نیست می کردند و خانواده‌هایشان از سرنوشت آن‌ها مطلع نمی شدند و جرات اعتراض هم نداشتند.» (۱۰۱)

به مرور، زندگی زیر پرچم داعش، نه تنها برای مردمان عادی که حتی برای اعضای تشکیلات هم سخت و مملو از خشونت و تناقض و ناکارآمدی و البته نارضایتی می‌شود و به همین دلیل است که «وقتی نیروهای امنیتی وارد منطقه ما شدند، مردم برای آن‌ها هشت گوسفند ذبح کردند.» (۶۷)

### موقعیت چهارم: اسارت

مضمین فرعی	مضمون اصلی	موقعیت چهارم
تسلیم کردن خود/ لو رفتن توسط مردم/ اقدامات نیروهای امنیتی	چگونگی اسارت	اسارت
پشیمانی/ احساس فریب‌خوردگی/ حس خائن بودن	مرور گذشته	
اعدام/ بازگشت به خانواده	انتظار آینده	

با افول قدرت هژمونیک داعش و ناکارآمدی ایدئولوژیک و میدانی آن، شکست‌های نظامی نیز دامن‌گیر این تشکیلات شده و اعضای آن در آشکال مختلف، به اسارت نیروهای مردمی و ارتش عراق در می‌آیند. «خلوت» فرصتی است برای بازاندیشی و اکنون، این فرصت برای آنان فراهم شده و هرکدام روایتی از این بازاندیشی دارند.

الف) چگونگی اسارت: «هنگام حضور در عملیات انغماسی بسیار ترسیدم و بالاخره هم‌زمانم را قانع کردم که من در دل کوه منتظر بمانم تا آن‌ها عملیات را انجام دهند و با هم برگردیم. وقتی آن‌ها دور شدند با خودم فکر کردم اگر به تشکیلات برگردم، ممکن است مرا بخاطر ترمز، اعدام کنند. پس بین بد (اسیر شدن) و بدتر (اعدام شدن)، بد را انتخاب کردم و به سوی نیروهای حشدالشعبی خود را تسلیم کردم.» (۵۰) «با سقوط تکریت، در بین مردم پنهان شده بودم. پس از دو سال به بغداد رفتم و هنگام بازگشت به تکریت، توسط راننده تاکسی شناسایی شده و تحویل نیروهای امنیتی شدم.» (۷۲) «با آرام شدن اوضاع کشور و فروکش کردن طایفه‌گرایی، ناگاه شبکه ما در منطقه لو رفت. شخصیت‌های منطقه ما را فروخته بودند.» (۸۳) «همسرم در اعتراض به وضعیت من قهر کرده و به منزل پدرش رفت و شرط کرده تنها در صورتی به منزل ما برمی‌گردد که خودم را به نیروهای امنیتی معرفی کنم و بعد از محاکمه و تحمل مجازات، سراغ او بیایم. لذا من خودم را تسلیم نیروهای ارتشی کردم.» (۱۱۸) «مردم از گذشته پشیمان هستند و این اواخر از طریق تلفن همراه و اینترنت، اخبار و اطلاعات تشکیلات را به نیروهای امنیتی ارسال می‌کردند.» (۱۰۲)

ب) مرور گذشته: حضور در زندان، فرصتی بی‌نهایت به آنان داده تا به گذشته خویش فکر کنند. آن‌چه آموزش دیده بودند، آن‌چه برایشان جان خود را به خطر انداخته و چه بسا جان‌هایی را

گرفته بودند، تصوراتی که از آینده داشتند و هر چیز دیگری دائماً در ذهن شان مرور می‌شود. «از ابتدای اسارت به مقایسه بین رفتار خوب نیروهای حشدالشعبی با خودم و رفتار داعش با اسرا پرداخته‌ام و صحنه‌های ذبح و گلوله باران اسرا توسط داعش و پذیرایی و دادن چایی و سیگار به اسیر توسط نیروهای امنیتی، پایانی بر ماجرای داعش و ادعاهای آنان است.» (۵۲) «من بی‌سوادم و چیز زیادی از اسلام نمی‌دانم. ما حرف‌های داعشی‌ها را باور کردیم و وقتی نیروهای ارتشی وارد تکریت شدند و مایحتاج مردم را تامین کردند و به ناموس کسی هم نظر نداشتند، متوجه اشتباه‌مان شدیم ولی دیگر خیلی دیر شده بود...» (۷۵)

ج) انتظار آینده: اتهام عضویت در داعش، اتهامی سنگین است که آینده‌ای سخت و پرابهام را در دل‌های مضطرب زندانیان مستقر کرده است. کورسوی امید در دل برخی زنده است و به امید روزی هستند که آزاد شده و نزد همسر و فرزندان و یا معشوقه خویش بروند و برخی دیگر، انتظار مرگی را می‌کشند که به زودی با طناب دار به سراغ‌شان خواهد آمد. سجاد آرزو دارد گذشته را فراموش کرده و هنرمند بشود. (۵۲) رضوان هم امید به آزادی دارد و لذا به راحتی دروغ می‌گوید. وقتی با فیلم اقداماتش مواجه می‌شود، خودش را فریب خورده و یک مریض ناتوان دیابتی معرفی می‌کند. (۱۴۸) تمنای بازگشت به روزهای پیش از عضویت در داعش در اذهان‌شان موج می‌زند؛ اگر از مجازات‌هایی بیابند که چه بهتر و گرنه حداقل پس از تحمل دوره‌ای زندان و مجازات می‌خواهند به آن روزگار بازگردند.

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در همه نفرات بررسی شده، زمینه ناکامی شخصی یا اجتماعی وجود دارد. فقر، یتیمی، بیماری، تحقیر، احساس تبعیض و بی‌عدالتی و حتی ناکامی در وصال معشوق، دلایل هر کدام برای عضویت در داعش بوده است. همگی در روایت زندگی‌شان، خودشان را فریب خورده سخنان و مبلغان مذهبی می‌دانند. «استضعاف در سرمایه فرهنگی و اقتصادی»، دست به دست هم داده تا چنین رخدادی برای اینان شکل گیرد. این همان چیزی است که شهید مطهری بدان اشاره داشته است: «اگر از یک طرف منافق‌ها، بی‌دین‌های متظاهر زیرک، متظاهرها و ریاکارها و مدلس‌ها پیدا بشوند و از طرف دیگر مردم، جاهل و نادان باشند، آن‌ها این‌ها را ابزار خودشان قرار می‌دهند.»

(مطهری، ۱۳۸۰، ص. ۲۱۴) البته فرایند اعتماد افراد به ادعاهای خطبای داعش، فرایندی اجتماعی و مبتنی بر اعتماد قبلی بوده است؛ اکثر آن‌ها از طریق شبکه‌ای از آشنایان و معتمدین، جذب تشکیلات شده‌اند. اینکه امام جماعت روستا یا افرادی از اقوام و همسایگان و دوستان به تائید سخنان مبلغان داعشی پردازند، در جلب اعتماد اینان بسیار مؤثر بوده است. «یک شبه تغییر کردن همه چیز» مسئله‌ای است که نشان می‌دهد نه با یک پدیده اعتقادی که با یک پدیده شدیداً اجتماعی مواجه هستیم که تحلیل‌هایی که اشاره را به سوی خشونت مذهبی سوق می‌دهند، ره به خطا رفته‌اند. در واقع می‌توان ادعا کرد «خشونت مذهبی» تنها یک برجسب غربی و به نوعی تشدیدکننده خشونت ساختاری تمدن غرب علیه مسلمانان است<sup>۱</sup> چرا که گروه‌های بسیار خشن تری مانند جیش الحر در سوریه و مجاهدین خلق در ایران و پژاک و حزب دموکرات در کردستان عراق و ایران، هیچ‌کدام داعیه مذهبی ندارند اما دارای شباهت‌های فراوانی با این گروه‌ها هستند.

زندگی ذیل پرچم داعش برای اعضای آن در ابتدا همراه با مجموعه‌ای از حس قدرت و افتخار، رهایی از محدودیت‌های سابق اجتماعی، حرکت به سوی آزادی از استعمار و اعتلای پرچم اسلام بوده و سپس به تناقضات، خشونت (مذهبی و اجتماعی)، تشدید فقر، سخت‌گیری بر مردم، تبعیض و امثال آن منجر می‌شود. در واقع با یک فراز و فرود سریع در این رخداد مواجه هستیم: روزهای ابتدایی، روزهای پرشکوه و پر از آرمان و در ادامه روزهایی پر از تناقض و مضیقه و شکست. ویژگی‌های معنوی و عبادی افرادی که خود را «سربازان دولت اسلام» می‌شناخته‌اند، تغییر خاصی نمی‌کند اما زندگی آرام و عادی آنان به سرعت به یک زندگی مملو از خشونت و قتل و جنگ و ترور و حتی سرقت تبدیل می‌شود.

حس مشترک اندوه از گذشته در کنار تلاش برای رهایی از آینده سیاه (اعدام یا زندان طولانی‌مدت) مهم‌ترین ارزیابی آنان از گذشته‌شان است. به این که به خاطر جهل، فریب خورده و انسان‌هایی را گشته و کشوری را ویران کرده‌اند، اذعان دارند. یک بار به خاطر فقر و نداری

۱. اثر فاخر ویلیام تی کاوانا با عنوان «اسطوره خشونت مذهبی» به تفصیل این برساخت غربی علیه کلیت «مذهب» و «هر دینی» را شرح داده است.

احساس تحقیر را تجربه کرده‌اند، یک‌بار توسط اعضای خانواده به علت پیوستن به داعش، یک‌بار از مهاجرین خارجی و اکنون در زندان و پیش زندان بانان امنیتی عراق. احساس ذلت و حقارت، به نحوی در آنان درونی شده که تبدیل شدن به یک عضو عادی در جامعه برای‌شان آرزویی بسیار دور و دست‌نیافتنی تلقی می‌شود.

در مجموع، هرچند نمی‌توان عاملیت این افراد در انتخاب مسیر جنایت را انکار نمود؛ اما نقش اساسی و برجسته را باید به کلان ساختارهای جامعه جهانی و عراقی داد. ساختار استکباری‌ای که تأسیس و آموزش و برنامه‌ریزی و پشتیبانی مالی و تسلیحاتی و امنیتی گروه‌های افراطی و تضعیف دولت‌های ملی را در راستای منافع خود تلقی می‌کند، ساختاری که فقر و استضعاف را در جوامع گسترش می‌دهد، طبیعتاً منجر به بروز واکنش‌هایی از جنس داعش می‌شود. اگر دولت‌ها بتوانند مسیر ارسال سلاح به این گروه‌ها را کنترل کنند، با تظاهرات‌های گسترده‌ای - مشابه ظهور جوکرها در عراق پس از افول داعش - مواجه می‌شوند. افزایش آگاهی عمومی نسبت به آموزه‌های دینی و نیز ماهیت قدرت در روابط بین‌الملل و نیز ادعاهای عدالت‌خواهانه و آزادی‌طلبانه، از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند از شکل‌گیری گروه‌های افراطی و خشن جلوگیری نماید. به کارگیری هم‌زمان رسانه‌ها و نخبگان و فرهیختگان در کنار ارتباط وثیق با رهبران بومی و معتمدین اجتماعی، می‌تواند بیشترین کارآمدی را داشته باشد. بدین ترتیب استضعاف در سرمایه فرهنگی تا حدودی جبران می‌شود؛ اما رفع استضعاف در سرمایه اقتصادی، نیازمند برنامه‌ریزی‌های اقتصادی عدالت‌محور و نیز درهم شکستن روابط استضعاف-استکباری در جهان است که از تخصص نگارنده خارج می‌باشد.

## فهرست منابع

- آجیلی، ه.، و مبینی کشه، ز. (تابستان ۱۳۹۵). بررسی علل پیوستن جوانان اروپایی به داعش. *پژوهشنامه رسانه بین‌الملل*، ۲۱۷-۲۳۸.
- اخوان کاظمی، م.، صادقی، س.، و لطفی، ک. (بهار و تابستان ۱۳۹۷). تحلیل زمینه‌های سیاسی و اجتماعی حضور داعش در آسیای مرکزی (از تهدید نفوذ تا واقعیت حضور). *مطالعات اوراسیای مرکزی*، ۱-۲۱.
- اخوان کاظمی، م.، صادقی، س.، ا.، و پروندی، ا. (خرداد ۱۳۹۷). آینده‌پژوهی گروه‌های تکفیری و تأثیر آن‌ها بر منازعات منطقه‌ای در غرب آسیا. *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۱۹۱-۲۱۴.
- اشرف نظری، ع.، و پیرانی، ش. (پاییز ۱۳۹۷). پنداشت‌های فرهنگی مذهبی و بازتولید کنش‌های خشونت‌بار: مطالعه موردی داعش. *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۱۶۳-۱۹۴.
- اصلی زاده، ب.، عظیم زاده، ج.، و سیدی ارژنگ، س. (بهار و تابستان ۱۴۰۰). بررسی عوامل مؤثر در ظهور و قدرت‌یابی داعش در یمن. *دو فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر*، ۲۵۳-۲۸۹.
- اعظم آزاده، م.، و بقالی، ه. (تابستان ۱۳۹۱). تحلیل جامعه شناختی سلفی‌گری به مثابه یکی از منابع هویت‌ساز در کردستان ایران. *مطالعات اجتماعی ایران*، ۴-۲۹.
- الناصری، ع. (۱۳۹۸). *از افغانستان تا لندنستان: خاطرات جاسوس دستگاه اطلاعات خارجی فرانسه در شبکه تکفیری اروپا در دهه ۹۰ میلادی*. (و. خضاب، مترجم) تهران: شهید کاظمی.
- امینی، ع.، و حزباوی، ق. (آذر ۱۳۸۹). مبانی فکری خشونت سیاسی در بنیادگرایی اسلامی. *علوم سیاسی و روابط بین‌الملل*، ۶۵-۱۰۰.
- بصیری، م.، و سالدورگر، ا. (پاییز ۱۳۹۶). بررسی علل و عوامل شکل‌گیری داعش. *فصلنامه سیاست*، ۵۵۳-۵۷۰.
- بهرامی، ح. (پاییز ۱۴۰۰). ویژگی‌ها، عناصر و مؤلفه‌های بنیادگرایان سلفی شرق ایران. *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، ۶-۳۴.
- بهمنش، ح. (پاییز و زمستان ۱۳۹۷). بررسی زمینه‌های جامعه شناختی شکل‌گیری و قدرت‌یابی گروه سلفی - تکفیری داعش در عراق (۲۰۰۳-۲۰۱۴). *مطالعات بیداری اسلامی*، ۶۱-۸۳.
- تودنهوفر، ی. (۱۳۹۴). *کتاب نگاهی به داعش از درون، ۱۰ روز در دولت اسلامی*. (ر. افشاری، مترجم) تهران: مهراندیش.
- حاجی یوسفی، ا.، و جنیدی، م. (تابستان ۱۳۹۷). گفت‌وگو مبارزه با تروریسم و ظهور و قدرت‌یابی گروه‌های تکفیری با تأکید بر داعش. *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۲۸۳-۳۰۵.
- حسن‌بیگی، ا. (۱۳۶۶). *چته‌ها*. تهران: برگ.
- حسینی، س.، میری، س.، ابطیحی، س.، و پولادی، ک. (پاییز ۱۳۹۹). روان‌شناسی اجتماعی پیدایش گروه‌های تکفیری در عراق. *جستارهای سیاسی معاصر*، ۹۳-۱۲۴.

- خضاب، و. (۱۳۹۸). روزی روزگاری القاعده: خاطرات ایمن دین، عضو جدا شده القاعده و جاسوس دستگاه امنیتی انگلیس. (و. خضاب، مترجم) تهران: نارگل.
- خضاب، و. (۱۴۰۰). زندگی زیر پرچم داعش. (و. خضاب، مترجم) تهران: شهید کاظمی.
- خلیلی، ر.، نصری، ق.، و دست افشان، س. (پاییز ۱۴۰۰). عوامل و زمینه‌های گرایش به گروه‌های تکفیری؛ بررسی موردی مناطق جنوبی استان کرمان. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۹-۴۲.
- داودآبادی، ح. (۱۳۹۵). چادر وحدت: خاطرات و ناگفته‌های سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰. تهران: یا زهر(س).
- داوری مقدم، س.، و سالار کسرائی، م. (فروردین ۱۳۹۴). برآمدن داعش در خاورمیانه: تحلیل جامعه‌شناختانه. روابط خارجی، ۱۹۱-۲۱۶.
- دیانت، م. (زمستان ۱۳۹۶). بررسی شکل‌گیری روانشناسی خشونت در قالب داعش. فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۲۹۳-۳۱۰.
- زاهدی، ن.، و سرپرست سادات، س. (تابستان ۱۳۹۷). رادیکالیسم تکفیری، هویت و پست مدرنیسم. مطالعات ملی، ۱۲۹-۱۴۴.
- ساداتی نژاد، س.، و اسدزاده، و. (بهار ۱۳۹۷). بررسی کارکردهای هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی گروه‌های تکفیری از منظر شرق‌شناسی ادوارد سعید. جستارهای سیاسی معاصر، ۴۹-۷۰.
- ساداتی نژاد، س. (بهار ۱۳۹۵). نقش ایالات متحده آمریکا در شکل‌گیری جریان‌های افراطی در جهان اسلام (مطالعه موردی القاعده و داعش). اندیشه سیاسی در اسلام، ۱۲۳-۱۴۳.
- سیدنژاد، س. (بهار ۱۳۸۹). سلفی‌گری در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران. مطالعات راهبردی، ۹۵-۱۲۲.
- صادقی اول، ه.، و حسینی اصیل، ی. (بهار ۱۳۹۸). جامعه‌شناسی سیاسی زایش تفکر منازعه‌آمیز داعش در عراق. پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، ۸۵-۱۰۸.
- طیبی ابوالحسنی، س. (تابستان ۱۳۹۸). درآمدی بر روش تحقیق: رویه‌های استاندارد تحلیل داده‌های کیفی. فصلنامه سیاست‌نامه علم و فناوری، ۶۷-۹۵.
- عاکف، س. (۱۳۸۵). حکایت زمستان. مشهد: ملک اعظم.
- علوم، ف.، و جلالی، ر. (بهار ۱۳۹۹). تأثیر احساس محرومیت نسبی بر گرایش برخی از ساکنان غرب کشور به داعش. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۳۳-۵۹.
- علی‌باری، ح. (بهار و تابستان ۱۳۹۴). نقش کشورهای غربی در چگونگی شکل‌گیری اندیشه سلفی. مطالعات بیداری اسلامی، ۱۱۹-۱۳۸.
- عنبرمو، م. (پاییز ۱۳۹۹). تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر گرایش به سلفی‌گری در استان خوزستان؛ مورد مطالعه: جوانان شهر اهواز. تاریخ اسلام و ایران، ۱۷۳-۱۹۸.



- فرمد، ز.، و بیچرانلو، ع. (بهار و تابستان ۱۳۹۸). بازنمود زندگی روزمره یوتویپایی زنان غربی پیوسته به داعش در رسانه‌های اجتماعی. *دو فصلنامه علمی - پژوهشی دین و ارتباطات*، ۲۴۹-۲۷۴.
- فوده، ی. (۱۳۹۸). *در راه پر دردسز: روایت سفر به خانه های امن القاعده*. (و. خضاب، مترجم) تهران: نارگل.
- فوده، ی. (۱۳۹۸). *کتاب‌های اطلاعاتی - امنیتی ۲: کاملاً سری: روایت القاعده از ۱۱ سپتامبر با نگاهی منصفانه به حواشی آن*. (و. خضاب، مترجم) تهران: شهید کاظمی.
- کاوانا، و. ت. (۱۴۰۲). *اسطوره خشونت مذهبی؛ ایدئولوژی عرفی و ریشه‌های تعارض مدرن*. تهران: ترجمان.
- مجیدی، م.، و باقری، ی. (بهار ۱۳۹۷). زمینه‌های پیدایش و رشد افراطی‌گری در آسیای مرکزی: مطالعه موردی داعش. *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، ۱۷۹-۲۰۲.
- محمدی، س.، و نوروزی، م. (تابستان ۱۴۰۰). چگونگی شکل‌گیری و ممکن شدن داعش و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه دولت پژوهی جمهوری اسلامی ایران*، ۸۷-۱۱۲.
- مرادی حقیقی، ف.، و ملکوتیان، م. (پاییز و زمستان ۱۳۹۸). نقش امریکا در شکل‌گیری گروه تکفیری دولت اسلامی عراق و شام (داعش). *مطالعات بیداری اسلامی*، ۷-۳۶.
- مرادی، ع.، و محمودی رجا، س. (پاییز ۱۴۰۱). تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر گرایش به سلفی‌گری در استان خوزستان؛ مورد مطالعه: جوانان شهر اهواز. *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۴۳-۷۷.
- مزیانی، م.، و محمدی، ح. (پاییز ۱۴۰۰). بسترها و پیامدهای فرهنگی پیدایش «داعش خشونت‌گرا». *اسلام و مطالعات اجتماعی*، ۹۷-۱۲۲.
- مطهری، م. (۱۳۸۰). *پانزده گفتار*. تهران: صدرا.
- معصومی زارع، ه. (۱۴۰۰). *از فرانکفورت تا رقه، گفتگو با اعضای داعش*. تهران: خط مقدم.
- ناوشکی، ح.، و احمدیان، ق. (زمستان ۱۳۹۴). عوامل قدرت‌یابی داعش در عراق. *علوم سیاسی*، ۴۳-۶۷.
- نساج، ح.، عبدی پور، ن.، و جمشیدی مهر، پ. (زمستان ۱۳۹۶). علل ظهور و تکوین گروه‌های تکفیری در جهان اسلام؛ از تقابل زندگی قبیله‌ای با مدنیت تا تقابل سنت با مدرنیته؛ مطالعه موردی: خوارج و داعش. *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۱۸۵-۲۰۷.
- نصرافهانی، م.، مسعودنیا، ح.، و حاتمی، ع. (تابستان ۱۳۹۶). تحلیل نقش ساختار اجتماعی سوریه و خاورمیانه در شکل‌گیری و گسترش جریان سلفی‌گری در سوریه با کاربست نظریه سازه‌انگاری. *مطالعات انقلاب اسلامی*، ۱۹۷-۲۱۴.
- نصری، ق. (تابستان ۱۳۹۹). مناطق مساعد برای میزبانی حرکت‌های رادیکال سلفی تکفیری در جهان اسلام: گمانه‌هایی برای دهه منتهی به سال ۱۴۱۰ شمسی. *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، ۱۳۱-۱۵۹.
- هویدی، ف. (۱۴۰۰). *طالبان: سپاهیان خدا در نبرد اشتهاهی؛ خاطراتی از سفر به افغانستان در زمان طالبان و گفتگو با سران حکومت*. (و. خضاب، مترجم) تهران: شهید کاظمی.

وبستر، ل. و مرتوا، پ. (۱۳۹۶). روش تحقیق روایت پژوهی: آشنایی با به‌کارگیری تحلیل روایتی رویدادهای کلیدی در پژوهش‌های روایت. (ح. بودلایی، و ن. قلی زاده، مترجم) تهران: جامعه شناسان. یحمد، ه. (۱۳۹۸). من در رقه بودم: خاطرات محمد الفاهم (ابوزکریا) عضو جدا شده داعش. (و. خضاب، مترجم) تهران: نارگل.

Bourgois, P. (۲۰۱۰). *Recognizing Invisible Violence: A Thirty-Year* در L. W. Barbara Rylko-Bauer, *Global Health in Times of Violence*. (ص. ۱۷-۴۵). Santa Fe: School of Advanced Research Press.

Cleland, A. J. (۲۰۱۷). *The Qualitative Orientation in Medical Education Research*. *Korean Journal of Medical Education*. ۷۱-۶۸, (۲) ۲۹,

Riessman, C. K. (۲۰۰۷). *Narrative Methods for the Human Sciences*. CA: SAGE Publications.

woods, P. (۱۹۹۳). *critical events in teaching and learning* london: Falmerpress.

